

سوزان باسنت. ترجمه پژوهی. چاپ سوم. لندن و نیویورک: راتلیج، ۲۰۰۲.
۱۰+۱۷۶ ص.

Susan Bassnett. *Translation Studies*. 3rd ed. London and New York: Routledge, 2002. x+176 pp.

سوزان باسنت یکی از پژوهشگران برجسته حوزه ترجمه پژوهی است. بدون تردید اکثر کسانی که در این زمینه فعالیت دارند کم و بیش با نام و آثار او آشنا هستند. باسنت استاد ترجمه پژوهی و ادبیات تطبیقی دانشگاه واریک انگلستان است و در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا تدریس کرده است. او تألیفات متعددی در زمینه ترجمه پژوهی و ادبیات تطبیقی و مطالعات زنان دارد. افزون بر اینها، در ترجمه نیز دستی دارد و از نزدیک با مشکلات این حوزه آشناست.

با اینکه ترجمه در طول سالیان نقش مهم و انکارناپذیری در تفاهم و تقریب فرهنگ‌ها و ملت‌ها داشته، تا پیش از دهه ۱۹۶۰ به طور روشمند و سامانمند مورد مطالعه قرار نگرفته و حتی کاری خطیر و کوششی خلاقانه تلقی نشده است. برعکس، آن را حاشیه و تفننی غیرخلاقانه پنداشته‌اند که هر کسی با اندک توانایی در زبان مبدأ و مقصد از عهده‌اش برمی‌آمده است. در مجموع، متن ترجمه‌شده هیچ‌گاه از جایگاه و منزلت متن اصلی برخوردار نبوده و به تبع آن مترجم نیز شأن و مرتبه والایی نداشته است.

ترجمه پژوهی رشته‌ای نوین است و به قول سوزان باسنت «هنوز مراحل اولیه رشد خود را طی می‌کند». ظاهراً نخستین بار آندره لوفور^۱ در سال ۱۹۷۸ — در تعلیقه مختصرش بر مجموعه مقالات گردهمایی ۱۹۷۶ درباره ادبیات و ترجمه — اصطلاح «ترجمه پژوهی» را برای «مشکلات ناشی از تولید و توصیف ترجمه» به کار برد. ترجمه پژوهی در اواخر دهه ۱۹۷۰ پا به عرصه وجود گذاشت و پس از این تاریخ دیگر موضوعی ذوقی و غیرعلمی و در درجه دوم اهمیت نبود، بلکه رشته‌ای جدی و

^۱ André Lefevere

حائز اهمیت و مبتنی بر نظریات علمی با اهداف و محدوده مشخص و معین تلقی می‌شد که در مناسبات ادبی و فرهنگی و حتی سیاسی میان ملت‌ها بسیار تأثیرگذار بود. این رشته در گذشته نه چندان دور زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی یا ادبیات تطبیقی به شمار می‌رفت. دهه ۱۹۸۰ دهه تثبیت و استقلال این رشته دانشگاهی نوپا بود. در سراسر این دهه، مبانی نظری و عملی ترجمه پیوسته در حال رشد و توسعه بود. سپس در دهه ۱۹۹۰ — دهه توسعه جهانی — مطالعات ترجمه به جایگاه شایسته خود دست یافت و امروز در دادوستدهای فرهنگی میان ملت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند.

کتاب ترجمه‌پژوهی به قلم سوزان باسنت نخستین بار در سال ۱۹۸۰ منتشر شد و خیلی زود توجه دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه را به خود جلب کرد. این اثر، که باید آن را از نخستین کوشش‌های ارزشمند و تأثیرگذار در زمینه مطالعات ترجمه دانست، در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۲ به چاپ‌های دوم و سوم رسید. اکنون، پس از گذشت بیش از سه دهه از انتشار این کتاب و پیشرفت‌های روزافزون این رشته دانشگاهی، هنوز هم مطالعه این اثر ارزشمند به مثابه یکی از کتاب‌های مقدماتی این حوزه ضروری می‌نماید.

کتاب از سه بخش اصلی تحت عناوین موضوعات اصلی [ترجمه]، تاریخچه نظریه ترجمه [در غرب]، و مشکلات خاص ترجمه [متون] ادبی تشکیل شده و، در واقع تلاشی است برای معرفی ابعاد مختلف رشته مطالعات ترجمه در حد یک درس‌نامه. به عبارت دیگر، هدف این کتاب تعیین حدود این رشته دانشگاهی نوپا و معرفی کارهای انجام‌شده در این زمینه، و نیز ارائه پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی است.

فصل نخست کتاب (۲۵ صفحه)، آن‌گونه که از عنوانش بر می‌آید، درباره موضوعات اصلی ترجمه و مشکلاتی است که مترجم حین ترجمه با آنها دست و پنجه نرم می‌کند. این موضوعات عبارت‌اند از زبان و فرهنگ، انواع ترجمه (از دیدگاه رومان یاکوبسن)^۱، ترجمه‌ناپذیری، افزایش و کاهش، و معادل‌گزینی (با تکیه بر آراء یوجین نایدا)^۲. این فصل با مطلب فشرده‌ای درباره بحثی قدیمی به پایان می‌رسد: ترجمه به منزله علم یا فعالیتی درجه دو.

^۱ Roman Jacobson

^۲ Eugene Nida

برای نمونه، باسنت معتقد است که مترجم، به‌ویژه مترجم آثار ادبی، گاهی به مرز ترجمه‌ناپذیری می‌رسد. به عبارت دیگر، مترجم با دو مشکل آشنا و تا حدی لاینحل مواجه می‌شود. باسنت — به نقل از کتفورد — این ترجمه‌ناپذیری را به دو گونهٔ زبان‌شناختی و فرهنگی تقسیم می‌کند. ترجمه‌ناپذیری زبان‌شناختی دربارهٔ تفاوت‌های زبان‌شناختی در زبان‌های مبدأ و مقصد — مثلاً، فقدان معادل‌های واژگانی یا نحوی در زبان مقصد — است. و ترجمه‌ناپذیری فرهنگی که به مراتب مشکل‌سازتر است به نبودِ مقوله‌های مشابه فرهنگی در زبان‌های مبدأ و مقصد مربوط می‌شود.

فصل دوم کتاب (۳۵ صفحه) بررسی تاریخیچهٔ نظریهٔ ترجمه در مغرب‌زمین در ادوار مختلف است، از روم باستان گرفته تا قرن بیستم. باسنت این سیر منظم تاریخی را به شیوه‌ای مختصر و مفید، با ذکر آراء صاحب‌نظران و آثارشان معرفی و بررسی می‌کند. در خلال این مباحث، به مسائلی نظیر معایب دوره‌بندی مطالعات ترجمه در کتاب *بعد از بابل*، نوشتهٔ جُرج اشتاینر^۱، و ترجمه‌های قدیمی دورهٔ ویکتوریا نیز می‌پردازد.

باسنت سیر تاریخی ترجمه را به ترتیب زیر شرح می‌دهد: رومی‌ها (سیسرون و هوراس و لونگینوس)، ترجمهٔ کتاب مقدس (از ترجمهٔ سنت جروم^۲ با عنوان *تحریر عام کتاب مقدس* در قرن چهارم میلادی تا ترجمهٔ مجاز آن در سال ۱۶۱۱)، نخستین نظریه‌پردازان ترجمه (اتین دوله^۳ و جُرج چپمن^۴)، عصر رنسانس (ترجمهٔ سر تامس نورث^۵ از کتاب *زندگی‌نامهٔ مردان نامدار* پلوتارک و ترجمه‌های سیر تامس وایات^۶ و اِریل آو ساری^۷ از غزلیات ایتالیایی، به‌ویژه غزلیات پترارک)، قرن هفدهم (سیر جان دِنَم^۸، اِیبرَهَم کاولی^۹ و جان درایدن^{۱۰})، قرن هجدهم (دکتر سمیوئل جانسن^{۱۱}، گوته و الکساندر فریزر تایتلر^{۱۲} که مقالهٔ «اصول ترجمه» او اولین پژوهش سامانمند در باب فرایند ترجمه به زبان انگلیسی است)، پسارمانتیک‌ها (فریدریش شلایرماخر^{۱۳} و ویلیام موریس)،

^۱ George Steiner, *After Babel: Aspects of Language and Translation*

^۲ St. Jerome

^۳ Etienne Dolet

^۴ George Chapman

^۵ Sir Thomas North

^۶ Sir Thomas Wyatt

^۷ Earl of Surrey

^۸ Sir John Denham

^۹ Abraham Cowley

^{۱۰} John Dryden

^{۱۱} Samuel Johnson

^{۱۲} Alexander Fraser Tytler

^{۱۳} Friedrich Schleiermacher

مترجمان دوره ویکتوریا (دANTE گابریئل روزتی^۱، هنری وادزورت لانگفلو^۲، ادوارد فیتس جرالده^۳ و قرن بیستم (عزرا پاونده، هیلری بلاک^۴، جیمز مک فارلین^۵).

فصل سوم کتاب که در مقایسه با سایر فصل‌ها دارای صفحات بیشتری است (۵۴ صفحه)، درباره مشکلات خاص ترجمه متون ادبی — شعر، رمان، نمایشنامه — است. مهم‌ترین ویژگی این فصل در کنار زبان روشن و آسان‌فهم آن، بُعد عملی مطالب به منزله یک دوره درس عملی ترجمه است که بسیار کارآمد و راهگشاست. نمونه‌های ذکرشده چنان محسوس و ملموس‌اند که خواننده خود را در کلاس درس ترجمه متون ادبی پرفسور باسنت تصور می‌کند.

به گفته باسنت، در حوزه نظری ترجمه متون ادبی، ترجمه شعر دارای بیشترین حجم مطالب است. جالب آنکه باسنت خود نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته و در این فصل شیوه ترجمه عزرا پاونده را از اشعار بر جای مانده از دوره انگلوساکسون، مانند «دریانورد»، و اشعار شاعر نه چندان مطرح رومی، سکستوس پروپرتیوس، بررسی کرده است. باسنت معتقد است که پاونده در دخل و تصرف در اشعار شاعر رومی افراط کرده است و از قول او نقل می‌کند که هدفش صرفاً ترجمه نبوده، بلکه قصد داشته است که به شاعری مرده عمر دوباره ببخشد.

باسنت به تأسی از آندره لوفور هفت راهبرد مختلف را در ترجمه شعر پیشنهاد می‌کند: ترجمه واج‌شناختی، ترجمه لفظ به لفظ (تحت‌اللفظی)، ترجمه موزون، ترجمه به نثر، ترجمه مقفاً، ترجمه به شعر سپید، بازآفرینی.

باسنت معتقد است که در قیاس با پژوهش‌هایی که در حوزه ترجمه شعر به عمل آمده، در باب معضلات ترجمه متون منشور ادبی مطالعات کافی صورت نگرفته است. شاید علت این امر جایگاه رفیع و متعالی شعر باشد. از طرف دیگر، علت شاید این برداشت غلط و رایج باشد که ترجمه رمان، در مقایسه با ترجمه شعر، کار آسانی است. باسنت برای ترجمه متون منشور ادبی، و به‌ویژه رمان، شش راهکار پیشنهادی هیلری بلاک را توصیه می‌کند.

¹ Dante Gabriel Rossetti

² Henry Wadsworth Longfellow

³ Hilaire Belloc

⁴ James McFarlane

به نظر باسنت، معضلات ترجمه متون نمایشی، در مقایسه با مشکلات ترجمه شعر، تا حد زیادی مغفول مانده و قَلت منابع در این زمینه کاملاً مشهود است. او برخی از مشکلات این حوزه را نیز مطرح می‌کند. مثلاً، یکی از مشکلات خاص مترجم آثار نمایشی این است که اثر را باید برای اجرا (اجرامحور) ترجمه کند یا برای خواندن (خوانش‌محور).

در بخش نتیجه‌گیری، باسنت به اختصار به موضوعاتی اشاره می‌کند که مجال مطرح شدن نیافته‌اند — مثل ترجمه ماشینی، ترجمه متون سینمایی، ترجمه شفاهی — و مجدداً خاطرنشان می‌کند که مطالعات ترجمه رشته‌ای جوان و همچنان در آغاز راه است و بدیهی است که مسیری طولانی پیش رو دارد. علاوه بر اینها، تأکید می‌کند که در بسیاری از حوزه‌های ترجمه — مانند تاریخچه مطالعات ترجمه، مبانی نظری ترجمه و واژگان مرتبط با آن، ترجمه متون ادبی، و مشکلات ترجمه خارج از محدوده قاره‌های امریکا و اروپا — پژوهش‌های گسترده‌تر و روشمندتر و دقیق‌تری باید صورت گیرد.

بر روی هم، کتاب ترجمه‌پژوهی اثر سوزان باسنت، تا آنجا که من اطلاع دارم، یکی از نخستین کوشش‌های ارزشمند و تأثیرگذار در زمینه مطالعات ترجمه است. این اثر را، چنان که پیش‌تر گفته شد، می‌توان یکی از بهترین کتاب‌های مقدماتی در این زمینه دانست. زبان روشن و آسان‌فهم، مثال‌های متعدد و متنوع، و روانی مطالب حاکی از ذوق و سلیقه مؤلف و حاصل تنوع مطالعات اوست. شاید تنها کاستی کتاب که مؤلف خود نیز بدان اذعان کرده است، عدم توجه به مشکلات ترجمه در زبان‌های غیر هم‌ریشه باشد. امید است که این کتاب به فارسی ترجمه شود تا طیف گسترده‌تری از آن بهره‌مند شوند.

مصطفی حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی‌سینای

همدان و دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز